

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۹، شماره ۱

بهار و تابستان ۱۳۹۷

صفحات ۳۳۱ تا ۳۵۰

بررسی تطبیقی اصل اختصاص در استرداد مجرمان در نظام

حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا

آزاد قیطولی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

(Email: qaitooli@gmail.com)

مجتبی جانی پور*

استادیار گروه حقوق دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

مهین سبحانی

استادیار گروه حقوق دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

(Email: m_sobhani@guilan.ac.ir)

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۰۶)

چکیده

استرداد مجرمان فرایندی رسمی است که به وسیله آن شخصی از دولتی به دولت دیگر مسترد می‌شود. شروط اساسی ایجابی برای استرداد عبارت‌اند از: مجرمیت مضاعف، قابل استرداد بودن جرم، و اصل اختصاص. بنا بر اصل اختصاص، شخصی که مسترد می‌شود به جز جرمی که استرداد به منظور آن انجام شده یا هر جرمی که دولت درخواست‌شونده با آن موافقت نموده است، نباید تحت بازداشت، تعقیب و مجازات قرار گیرد. فلسفه وجود اصل اختصاص حمایت از حقوق متهم و همچنین تأمین امنیت خاطر دولت درخواست‌شونده برای اطمینان از عدم سوءاستفاده احتمالی دولت درخواست‌کننده است. این اصل در منابع استرداد در نظام حقوقی ایران، آمریکا و معاهده الگوی سازمان ملل پذیرفته شده است. با توجه به فلسفه وجودی این اصل در حمایت هم‌زمان از حقوق متهم و دولت، یکی از مشکلات اجرای اصل اختصاص، امکان انصراف از این اصل از سوی دولت و یا متهم است که چالش مربوط به ذی‌حق اصل اختصاص را ایجاد می‌نماید، و اینکه آیا در صورت انصراف دولت از اصل، متهم می‌تواند به آن استناد کند. پژوهش حاضر ضمن بررسی اسناد و رویه قضایی به این نتیجه می‌رسد که با قائل شدن سلسله‌مراتب میان منافع مورد حمایت اصل و اولویت بخشیدن به منافع دولت درخواست‌شونده می‌توان تعارض منافع دولت و متهمان را در اجرای این اصل حل نمود؛ مشروط به اینکه انصراف دولت ناقض سایر حقوق متهمان نباشد.

واژگان کلیدی

استرداد مجرمان، اصل اختصاص، ایالات متحده آمریکا، ایران، معاهده الگو.

مقدمه

استرداد مجرمان یک فرایند همکاری حقوقی بین دولتی است که به وسیله آن شخصی از دولتی به دولت دیگر به موجب یک منبع استرداد مانند معاهده، عمل متقابل، اصل نزاکت یا بر اساس قانون گذاری ملی مسترد می شود. در صورت وجود معاهده استرداد میان این دو دولت، کشور درخواست شونده موظف است بر اساس معاهده فی مابین، شخص مجرم را به کشور درخواست کننده مسترد نماید؛ به این معنا که استرداد مجرمان مسئله ای نیست که حق طبیعی دولت ها باشد، بلکه صرفاً بر مبنای معاهدات دو یا چند جانبه استرداد یا بر اساس شرط عمل متقابل دولت ها انجام پذیر است (احمدی نژاد، ۱۳۹۱، ص ۳). در عصر جهانی شدن که حمل و نقل به صورت بی سابقه افزایش یافته است و افراد به طور روزافزون از مرزهای سرزمینی دولت ها عبور می کنند، اصل استرداد مجرمان اهمیت بیشتری یافته است؛ به طوری که در دهه اخیر تلاش های گسترده ای از طرف دولتمردان برای انعقاد موافقت نامه های استرداد مجرمان صورت پذیرفته است. در حال حاضر، حدود سی موافقت نامه استرداد مجرمان از سوی دولت ایران با سایر دولت ها منعقد شده است. نگاهی به شروط مندرج در این موافقت نامه ها حاکی از تشابه و تکرار در مفاد آنهاست. شرایط ماهوی و ایجابی استرداد مجرمان یاد شده در این موافقت نامه ها عبارت اند از: مجرمیت مضاعف، قابل استرداد بودن جرم، و اصل اختصاص. در میان سه شرط پیش گفته، اصل اختصاص یکی از شرایط ایجابی استرداد مجرمان و از جمله الزامات اساسی در این زمینه بوده که کمتر به آن پرداخته شده است.

اصل اختصاص از یک قرن پیش در پرونده «ایالات متحده علیه راشر» (United States v. Rauscher, 1886) در امریکا به رسمیت شناخته شده و بعدها وارد معاهدات استرداد مجرمان با سایر کشورها شده است (Bassiouni, 2014, p.542). ماده ۱۴ معاهده الگوی سازمان ملل در سال ۱۹۹۵م نیز بر اصل اختصاص به عنوان یکی از شرایط استرداد مجرمان تصریح کرده است. اصل اختصاص در نظام حقوقی ایران در قدیمی ترین معاهدات استرداد مجرمان مانند ماده ۴ معاهده استرداد مجرمان بین ایران و پاکستان در سال ۱۳۳۹ و جدیدترین آنها مانند ماده ۱۵ معاهده استرداد مجرمان بین ایران و اندونزی در سال ۱۳۹۶ درج شده است.

برابر اصل اختصاص که قاعده اختصاص نیز خوانده می شود (Specialty Rule)، دولت درخواست کننده فقط می تواند شخص مسترد شده را برای جرم یا جرایمی که درخواست استرداد آن از سوی دولت درخواست شونده پذیرفته شده است، محاکمه یا مجازات کند و برای عنوان یا عناوین اتهامی دیگر جز مورد یا موارد مورد توافق این اختیار را ندارد. به موجب این اصل، هرگاه مجرمی در مقاطع زمانی مختلف اقدام به ارتکاب جرایم متعددی نماید و درخواست

استرداد صرفاً به دلیل یکی از آن جرایم ارتكابی صورت پذیرد، دولت درخواست‌کننده پس از تحویل گرفتن متهم، نباید او را به علت سایر جرایم ارتكاب‌یافته قبل از تقاضای استرداد، محاکمه و مجازات کند (خالقی، ۱۳۸۴، ص ۱۸)؛ بنابراین، پس از محاکمه یا رهایی از اتهام یادشده، باید زمان مناسب به او داده شود تا به دولت پناهنده خود باز گردد (Garcia & Doyle, 2010, p.29).

حال پرسش این است که چرا دولت درخواست‌کننده با وجود در اختیار داشتن چنین متهمی، حق محاکمه وی بابت سایر جرایم ارتكابی را ندارد؟ به عبارت دیگر، فلسفه وجودی اصل اختصاص چیست؟ در صورت نادیده گرفته شدن این اصل، چه کسی حق اعتراض دارد؟ به عبارت دیگر، ذی‌حق واقعی اصل اختصاص چه کسی است؟ با توجه به یکی از استثنای‌های اصل اختصاص، یعنی استردادهای ساده یا داوطلبانه از سوی متهم، آیا می‌توان به ذی‌حق واقعی اصل اختصاص پی برد؟ اصل اختصاص، آزادی دولت درخواست‌کننده برای محاکمه متهم به جرایمی غیر از جرایم موضوع استرداد را محدود می‌نماید. بنابراین، پرسش دیگر این است که آیا اصل اختصاص، آزادی دولت درخواست‌کننده برای تغییر عنوان اتهامی متهم را هم محدود می‌کند؟

بر این اساس، نخست مقاله در پاسخ به پرسش اول به تبیین مبانی و منابع اصل اختصاص می‌پردازد و سپس برای روشن شدن ذی‌حق اصل اختصاص، استثنای‌های این اصل بررسی می‌شود. از این رهگذر و با توجه به قراین موجود در بحث استرداد ساده می‌توان به ذی‌حق اصل اختصاص پی برد. در نهایت به تأثیر تغییر عنوان اتهامی در اجرای اصل اختصاص پرداخته می‌شود. مقاله حاضر برای پاسخ به پرسش‌های موجود به جایگاه این اصل در نظام حقوقی آمریکا به‌عنوان مبتکر این اصل توجه داشته و سپس به معاهده‌الگوی سازمان ملل به‌عنوان راهنمای دولت‌ها در تدوین قواعد استرداد مجرمان پرداخته است. استفاده از رویه نظام حقوقی آمریکا به‌عنوان کشوری با بیش از صد معاهده استرداد مجرمان می‌تواند به توسعه همکاری قضایی ایران با دیگران و افزایش تعداد معاهدات استرداد مجرمان ایران کمک کند.

فلسفه وجودی و منابع اصل اختصاص

۱. فلسفه اصل اختصاص

فلسفه وجودی اصل این است که نخست برای حمایت از حقوق فردی متهم، قید آن ضروری است، زیرا این اصل باعث می‌شود که حقوق شخص در مقابل رسیدگی به جرایمی که در خصوص آن‌ها آمادگی دفاع از خود را ندارد، حمایت شود. دوم اینکه این قاعده با اصل تقابل

(Reciprocity) و مجرمیت مضاعف (Dual Criminality) نیز مرتبط است؛ به این ترتیب که اگر قرار باشد مجرم برای جرمی که ماهیت آن برای دولت درخواست‌شونده روشن نیست محاکمه شود، ممکن است فعل یادشده در دولت درخواست‌شونده جرم به حساب نیامده، در این مورد قاعده معامله متقابل و نیز مجرمیت مضاعف رعایت نشود. سوم، رعایت نکردن این قاعده می‌تواند سبب محاکمه مجرمان سیاسی شود که دولت درخواست‌شونده آن‌ها را به دلیل جرایم عمومی به دولت درخواست‌کننده مسترد نموده است (علی‌آبادی، ۱۳۵۴، ص ۱۷۷). به این ترتیب، شرط قابل استرداد بودن جرایم هم نقض می‌شود. مبنای این اصل مبتنی بر این واقعیت است که وقتی دولت درخواست‌شونده با درخواست استرداد شخص موافقت می‌نماید، درحقیقت فقط نسبت به جرم موضوع درخواست، از صلاحیت قضایی خود به نفع دولت درخواست‌کننده اعراض می‌کند. لذا نمی‌توان شخص مورد نظر را به دلیل سایر جرایم ارتكابی نیز مورد تعقیب و محاکمه قرار داد، زیرا این امر در واقع تجاوز به حق دولت درخواست‌شونده به‌شمار می‌آید (Agrawala, 1965, p.217).

اصل اختصاص طراحی شده است تا دولت درخواست‌کننده نتواند با سوءاستفاده‌های احتمالی از شخص مورد درخواست که از سوی دولت درخواست‌شونده در اختیار وی قرار گرفته است، موجبات نقض اطمینان طرف مقابل را فراهم نماید (Iraola, 2008, p.89). بنابر این اصل، دولت درخواست‌کننده حق ندارد مجرم را به علت جرایمی که قبل از تاریخ استرداد واقع شده، اما در پرونده و درخواست استرداد منعکس نشده است، محاکمه کند؛ به عبارت دیگر، پرونده استرداد در حکم حصار است بر روی متهم، و محاکم دولت درخواست‌کننده نمی‌توانند جز همان اتهامات قیدشده در تقاضانامه استرداد، متهم را به عناوین و اتهامات دیگر تعقیب و محاکمه کنند (محسنی، ۱۳۸۲، ص ۴۱۹). برای تأکید بر اهمیت این قاعده همین بس که اگر دولتی بخواهد مجرمی را به دلیل عملی غیر از آنچه در استردادنامه قید شده است محاکمه نماید، کلیه مراحل درخواست استرداد بدون هیچ‌گونه کاستی می‌بایست دوباره صورت پذیرد (پورذوالفقار و کلانتری، ۱۳۹۳، ص ۵). در صورت نقض اصل اختصاص از سوی دولت درخواست‌کننده، بسته به تعیین ذی‌حق اصل اختصاص، برای شخص ذی‌حق امکان اعتراض و اقامه دعوا نزد دادگاه‌های داخلی دولت درخواست‌کننده و تحت شرایطی در دادگاه‌های بین‌المللی وجود خواهد داشت که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

۲. منابع اصل اختصاص

یکی از منابع اصل اختصاص، معاهدات استرداد مجرمان است، به این ترتیب، این اصل جزئی از قواعد بین‌الملل معاهداتی است. برای نمونه می‌توان به درج این قاعده در اغلب معاهدات استرداد مجرمان ایران با سایر کشورها از جمله، آذربایجان (ماده ۱۰)، فرانسه (ماده ۱۶)، پاکستان (ماده

۴)، امارات متحده عربی (ماده ۱۳) و بلاروس (ماده ۱۱) اشاره کرد. در عین حال در قوانین داخلی دولت‌ها این قاعده به‌عنوان پیش‌شرط استرداد مجرمان اغلب قید می‌شود. ایالات متحده آمریکا نیز اصل اختصاص را به‌موجب قوانین، معاهدات استرداد مجرمان و همچنین رویه قضایی خود پذیرفته است. دیوان عالی ایالات متحده در پرونده «ایالات متحده علیه راشر» اعلام داشت که «یک متهم مستردشده را که در پی یک معاهده استرداد مورد پیگرد قانونی قرار گرفته، تنها می‌توان برای یکی از جرایمی که در معاهده توصیف شده و برای جرایمی که به‌منظور آن مسترد شده است، محاکمه کرد...». همچنین برابر ماده ۳۱۸۶ از فصل ۱۸ کد قوانین فدرال دولت ایالات متحده: «وزیر امور خارجه ممکن است دستور دهد شخص مورد درخواست برابر ماده ۳۱۸۴ (متواریان از دولت خارجی به ایالات متحده) و ماده ۳۱۸۵ (متواریان از دولت تحت کنترل ایالات متحده به ایالات متحده) از این فصل، به مقامات دارای مجوز از طرف دولت خارجی تحویل داده شود تا برای جرایم اتهامی محاکمه شود». به‌موجب همین ماده، وزارت امور خارجه آمریکا حق استرداد شخص مورد تقاضا برای جرایم مورد اتهام در درخواست استرداد را دارد که البته روند اجرای این درخواست از سوی محاکم قضایی این کشور خواهد بود (Iraola, 2008, p.89).

ماده ۱۴ معاهده الگوی سازمان ملل (Model Treaty on Extradition) به اصل اختصاص تصریح نموده است. به‌موجب آن: «۱: شخصی که بر اساس این معاهده الگو مسترد می‌شود، نباید اقدامی علیه وی به‌منظور تعقیب، بازداشت، مجازات و استرداد دوباره وی به دولت ثالث صورت بگیرد یا در قلمرو دولت درخواست‌کننده در معرض هرگونه محدودیت‌های دیگر از آزادی شخصی برای هر جرمی که قبل از استرداد وی مرتکب شده قرار گیرد، به غیر از: الف: جرمی که استرداد به آن منظور صادر شده است. ب: هر جرم دیگری در این باره که مورد موافقت دولت درخواست‌شونده قرار گیرد. موافقت در صورتی حاصل می‌شود که جرم مورد درخواست، خود موضوع استرداد مطابق با قانون حاضر باشد. ۲: یک درخواست برای موافقت دولت درخواست‌شونده مطابق با این ماده باید همراه با مدارک یادشده در بند دوم ماده ۵ از این قانون باشد و حاوی شرحی از اظهارات ابرازشده از سوی شخص مستردشده در خصوص جرم باشد. ۳: بند ۱ این ماده نباید اعمال شود اگر شخص تاکنون فرصت برای ترک دولت درخواست‌کننده را داشته و ظرف ۳۰ تا ۴۵ روز از آزادی در مورد جرمی که فرد به آن منظور مسترد شده است آن دولت را ترک نکند یا اگر فرد پس از خروج از قلمرو دولت درخواست‌کننده به‌طور داوطلبانه دوباره به آن دولت بازگردد» (Model Treaty on Extradition, 1995, Ar.t 9).

اصل اختصاص در قانون استرداد مجرمان مصوب ۱۳۳۹ش ایران نیز مورد تصریح قرار گرفته است و قانون‌گذار در ماده ۲۳ بیان می‌کند: «شخصی را که استرداد او مورد قبول واقع شده نمی‌توان به اتهام جرم دیگری که قبل از تاریخ استرداد مرتکب گردیده مورد تعقیب قرار

داد یا مجازات نمود؛ مگر با جلب رضایت دولت مستردکننده. دولت ایران می‌تواند بنا بر درخواست دولت تقاضاکننده رضایت خود را نسبت به تعقیب و یا اجرای مجازات اعلام نماید؛ هر چند جرم ارتكابی از جرایم مذکور در ماده ۴ این قانون نباشد».

دولت‌ها ممکن است در خصوص برخی جرایم برای جلوگیری از فرار یا اختفای شخص مورد تقاضا، هنگام انجام تحقیقات مقدماتی تا زمان مشخص شدن نتیجه تحقیقات، فرد یادشده را در وضعیت بازداشت مقدماتی قرار دهند. انتقادی که بر قانون استرداد ایران وارد شده این است که در مورد وضعیت بازداشت مقدماتی در دولت درخواست‌شونده، اصل اختصاص را مورد تصریح قرار نداده است و در صورت سکوت قانون‌گذار ایران، می‌تواند موجبات سوءاستفاده برای دولت درخواست‌کننده را فراهم آورد. همچنین این ایراد در بسیاری از معاهدات استرداد مجرمان ایران پابرجاست. با این حال در ماده ۱۷ معاهده استرداد مجرمان بین دولت جمهوری اسلامی ایران و کره جنوبی (۱۳۹۶) و ماده ۳۶ قانون موافقت‌نامه معاضدت حقوقی در امور مدنی و کیفری بین ایران و بوسنی و هرزگوین (۱۳۹۱) اصل اختصاص به بازداشت نیز تسری داده شده است که جا دارد در دیگر معاهدات منعقدہ پیش‌رو نیز تصریح گردد. در بند ۱ ماده ۱۷ این معاهده عنوان شده است: «شخصی که به‌موجب این معاهده مسترد می‌گردد در دولت درخواست‌کننده بازداشت، محاکمه یا مجازات نخواهد شد؛ مگر برای موارد زیر...».

البته شورای نگهبان به استناد اصل چهارم قانون اساسی در موارد متعددی به اصل اختصاص ایراد وارد کرده است؛ برای مثال شورای نگهبان در موافقت‌نامه استرداد مجرمان میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ازبکستان اعلام نموده که اطلاق بند یک ماده ۱۰ چون شامل مواردی می‌شود که پیگرد جزایی یا مجازات شخص مستردشده را که از لحاظ شرعی لازم است، ممنوع می‌کند، خلاف موازین شرع شناخته می‌شود (شریعت باقری، ۱۳۹۳، ص ۴۵-۴۴). بند ۱ ماده ۱۰ معاهده یادشده بیان می‌کند: «بدون موافقت کشور درخواست‌شونده، شخص مستردشده را نمی‌توان در رابطه با جرمی غیر از آنچه موجب استرداد وی شده مورد پیگرد قضایی و استرداد قرار داد». در پاسخ به ایراد شورای نگهبان باید اذعان داشت که اصل اختصاص در واقع یک مصونیت قراردادی و نوعی امان تلقی می‌شود که دولت اسلامی می‌تواند بر اساس مصلحت‌های خود به آن تعهد نماید. این مصونیت قراردادی بی‌قید و شرط نیست و تحت شرایط خاصی قابل عدول است. در واقع مشکل این است که شورای نگهبان معمولاً موافقت‌نامه‌های استرداد مجرمان را به دلیل مغایرت با موازین شرع مورد ایراد قرار می‌دهد و به دنبال اصرار مجلس بر مصوبه، عموماً در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب می‌رسند (شریعت باقری، ۱۳۹۳، ص ۶۸ و ۷۲).^۱

۱. برای آگاهی بیشتر از چگونگی حل مشکل ایرادهای شرعی شورای نگهبان به موافقت‌نامه‌های استرداد مجرمان، نک: شریعت باقری، ۱۳۹۳.

یکی از پیامدهای گنجاندن مکرر اصل اختصاص در معاهدات و کاربرد مکرر آن در قوانین داخلی دولت‌های مختلف، تبدیل شدن آن به یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی است. در نتیجه حداقل سه منبع برای اصل اختصاص وجود دارد: حقوق بین‌الملل معاهداتی، حقوق بین‌الملل عرفی، و قوانین یا رویه قضایی ملی دولت‌ها.

استثنای اصل اختصاص

اصل اختصاص دارای استثنایی است که در صورت وجود، این اصل به اجرا گذاشته نمی‌شود:

الف) در صورتی که شخص مورد نظر پس از استرداد، مرتکب جرایم جدیدی در دولت درخواست‌کننده شود. اصل اختصاص مربوط به جرایم ارتكابی در گذشته است و در صورت ارتكاب جرایم جدید کاربرد ندارد. در پرونده‌های بسیاری در دادگاه‌های ایالات متحده امریکا به این اصل استناد شده است (Garcia & Doyle, 2010, p.29-30). در شق اول بند «ب» ماده ۱۷ معاهده استرداد مجرمان ایران با کره جنوبی هم به این استثنا تصریح شده است. البته بدون تصریح به این بند هم با توجه به فحوی اصل اختصاص، می‌توان آن را در زمره استثنای اصل اختصاص قرار داد، زیرا به موجب این اصل، شخص تنها برای جرایم ارتكابی موضوع استرداد محاکمه خواهد شد؛ در نتیجه جرایم ارتكابی پس از استرداد مشمول این اصل نخواهند شد.

ب) در صورتی که شخص موضوع استرداد پس از محاکمه یا رهایی قطعی از اتهام با وجود داشتن فرصت مناسب، قلمرو دولت درخواست‌کننده را ترک نکند. مدت فرصت مناسب در قوانین و معاهدات اغلب ۳۰ تا ۴۵ روز است (Model treaty on extradition, 1995, Art. 14, subpara. 3). این استثنا در اغلب معاهدات استرداد مجرمان ایران با سایر کشورها هم مورد توجه قرار گرفته است؛ گرچه بازه زمانی متفاوتی (از ۱۵ روز تا ۴۵ روز) برای ترک داوطلبانه کشور درخواست‌کننده از سوی متهمان در نظر گرفته شده است؛ برای نمونه می‌توان به بند ۱ ماده ۱۶ معاهده استرداد مجرمان ایران و فرانسه (۱۳۴۵)، ماده ۴ معاهده استرداد مجرمان با پاکستان (۱۳۳۹)، شق اول بند «ب» ماده ۱۴ معاهده استرداد مجرمان با چین (۱۳۹۳) و آذربایجان (۱۳۷۸)، شق اول بند «ب» ماده ۱۳ معاهده استرداد مجرمان با امارات (۱۳۸۹)، شق دوم بند «ب» ماده ۱۷ معاهده استرداد مجرمان با کره جنوبی (۱۳۹۶) اشاره نمود که هر سه یک مهلت سی‌روزه برای ترک کشور از سوی متهم در نظر گرفته‌اند. اما به موجب بند ۳ ماده ۱۰ معاهده استرداد مجرمان با دولت ازبکستان (۱۳۸۱)، بند «ب» ماده ۱۵ معاهده استرداد مجرمان با اندونزی (۱۳۹۶)، بند ۲ ماده ۱۱ معاهده استرداد مجرمان با اوکراین (۱۳۸۶)، و بند ۲ ماده ۱۱ معاهده استرداد با قطر (۱۳۸۸) این مدت به پانزده روز کاهش یافته است. همچنین

به موجب بند ۲ ماده ۱۱ معاهده استرداد مجرمان با بلاروس (۱۳۹۱) این مدت به ۴۵ روز افزایش یافته است. با بررسی این ارقام متفاوت می توان به این نتیجه رسید که مهم پیش بینی حق ترک کشور برای متهم است که بازه زمانی متعارف آن بین ۱۵ تا ۴۵ روز است. به موجب نص صریح برخی از این معاهدات از جمله شق اول بند «ب» ماده ۱۴ معاهده استرداد با چین این بازه زمانی از هنگامی شروع می شود که برای متهم امکان ترک خاک کشور وجود داشته باشد. در نتیجه متهمی که با وجود امکان ترک کشور، همچنان در این کشور باقی مانده باشد، از طرف دولت درخواست کننده برای جرایم اتهامی غیر از جرایم موضوع درخواست استرداد نیز قابل محاکمه است.

ج) در صورتی که شخص موضوع استرداد پس از رهایی قطعی در فرصت مناسب قلمرو دولت درخواست کننده را ترک نماید، اما دوباره به طور ارادی به قلمرو دولت درخواست کننده بازگردد (Model Treaty on extradition, 1995, Ibid). استثنایی که در شق سوم بند «الف» ماده ۱۷ معاهده استرداد مجرمان ایران با کره جنوبی، شق اول بند «پ» ماده ۱۴ معاهده استرداد با آذربایجان و چین، و بند «ب» ماده ۱۵ معاهده استرداد با اندونزی تصریح شده است. د) در صورتی که دولت درخواست شونده به این امر رضایت دهد که فرد موضوع استرداد برای جرایم دیگری نیز محاکمه شود. زیرا اصل اختصاص از حقوق دولت درخواست شونده است و دولت یاد شده می تواند از آن خودداری نماید. بنابراین اگر دولت درخواست شونده به صراحت از اصل اختصاص صرف نظر کند، متهم هیچ حق اعتراضی نخواهد داشت (Bassiouni, 2014, p.597). این امر در پرونده «شاپیرو علیه فراندینا» (Shapiro v. Ferrandina) به روشنی اشاره شده است. در این پرونده، دادگاه اعلام کرد که اصل اختصاص حقی برای دولت درخواست شونده شمرده می شود که به منظور حمایت از حاکمیت و صلاحیت دولت و نه حمایت از متهم به دولت اعطا شده است. همچنین در پرونده های «مارتوناک علیه ایالات متحده امریکا» (Martonak v. United States) و پرونده «دمجانجوک» (Demjanjuk) نیز دادگاه های امریکایی دوباره بر این امر تأکید کردند. در واقع گرچه قاعده اختصاص برای حمایت از حقوق متهمان ایجاد شده است، اما رویه های قضایی یاد شده به صراحت ذی حق قاعده اختصاص را دولت درخواست شونده اعلام نموده اند (Bassiouni, 2014, p.592). به موجب قسمت اخیر ماده ۲۳ قانون استرداد مجرمان ایران هم این امر قابل استنباط است: «شخصی را که استرداد او مورد قبول واقع شده نمی توان به اتهام جرم دیگری که قبل از تاریخ استرداد مرتکب گردیده مورد تعقیب قرار داد یا مجازات نمود؛ مگر با جلب رضایت دولت مستردکننده...». در تمامی معاهدات استرداد مجرمان ایران با سایر کشورها، پس از درج اصل اختصاص، به استثنای رضایت دولت درخواست شونده اشاره شده است که با رضایت این دولت می توان متهم را برای

سایر جرایم ارتكابی که موضوع استرداد نبوده‌اند هم محاکمه کرد. حال پرسش این است که آیا برای متهم حق هیچ‌گونه اعتراضی در مورد لزوم رعایت اصل اختصاص وجود ندارد؟ رویه قضایی دادگاه‌های امریکا بیانگر تشتت آرا در پاسخ به این پرسش است؛ در حالی که برخی محاکم به حق متهم برای اعتراض به عدم رعایت این اصل معتقدند و برخی دیگر منکر جایگاهی مستقل از دولت درخواست‌شونده برای متهم در اعتراض به عدم رعایت این اصل هستند (Iraola, 2008, p.91). برخی دادگاه‌های امریکا اعلام داشته‌اند که در برخی موارد، متهم موضوع استرداد با وجود عدم اعتراض دولت استردادکننده می‌تواند به عدم رعایت اصل اختصاص اعتراض نماید. در واقع از نظر این محاکم، متهم هم در کنار دولت درخواست‌شونده، ذی‌حق اصل اختصاص شمرده می‌شود و هم می‌تواند به عدم رعایت این اصل بدون لزوم وجود اعتراض رسمی دولت درخواست‌شونده اعتراض کند. برای نمونه می‌توان به پرونده «ایالات متحده امریکا علیه تیریون» (United States v. Thirion) اشاره کرد. در این پرونده متهم از سوی دولت موناکو برای رسیدگی به تمام اتهام‌های وارده به‌غیر از اتهام تبانی به ایالات متحده امریکا مسترد شده بود، در حالی که دادگاه امریکایی به تمام اتهام‌های وارده از جمله اتهام تبانی علیه وی رسیدگی نمود. متهم به این موضوع ایراد نمود که اتهام تبانی وی در دادگاه‌های امریکا به دلیل عدم رعایت اصل اختصاص قابل رسیدگی نیست. دادگاه ضمن رد اعتراض متهم استدلال کرد که متهم بدون اعتراض دولت مستردکننده، سمتی در ایراد اعتراض به رعایت نکردن مفاد معاهده استرداد بین دو دولت ندارد. اما دادگاه تجدیدنظر اعلام کرد که متهم موضوع استرداد حق استناد به هرگونه ایرادی را که دولت مستردکننده از آن برخوردار است، دارد. در پرونده «خان» نیز متهم به عدم رعایت اصل اختصاص با توجه به درج نشدن اتهام وارده در استردادنامه وی، خواهان نقض محکومیت دادگاه بدوی بود. در نهایت دادگاه تجدیدنظر به دلیل ارائه نشدن دلیل خلاف این امر، با فرض اینکه دولت مستردکننده (پاکستان) به دلیل جرم نبودن عمل موضوع محکومیت در پاکستان به آن اعتراض خواهد کرد، اعتراض متهم را بدون وجود اعتراض رسمی از سوی دولت مستردکننده پذیرفت و محکومیت صادره را نقض نمود (Bassiouni, 2014, p.585). در واقع در هر دو مورد یادشده، دادگاه‌ها به دلیل عدم اعتراض رسمی از سوی دولت مستردکننده، حق اعتراض به رعایت نکردن اصل اختصاص را برای متهم به رسمیت شناختند؛ در حالی که با مطالعه قوانین و معاهدات مشاهده می‌شود که حق اعتراض از سوی شخص متهم در نهاد استرداد ایران به رسمیت شناخته نشده است. به عبارتی می‌توان به این نتیجه رسید که در نظام حقوقی امریکا، ذی‌حق این اصل در وهله اول دولت است، اما در صورت سکوت و یا عدم اعتراض و یا رضایت صریح به رعایت اصل اختصاص، متهم می‌تواند به عدم رعایت این اصل به‌عنوان دلیلی برای نقض محکومیت خود استناد نماید. برخی دادگاه‌های امریکا نیز

مواضع بسیار مبهمی را در خصوص جایگاه شخص متهم در اعتراض به اصل اختصاص اتخاذ نموده‌اند. با وجود این، دیوان عالی امریکا در یک پرونده^۱ مربوط به تفسیر یک معاهده که ارتباط مستقیمی با اصل اختصاص نداشت، اعلام نمود درحالی که معاهدات بین دولت‌ها منعقد می‌شوند، اما یک معاهده می‌تواند شامل قواعدی باشد که حقوقی را به شهروندان یا افراد مقیم هریک از این دولت‌ها اعطا می‌کند. در این صورت، یک معاهده بین‌الدولی میان اشخاص خصوصی در دادگاه‌های داخلی دو دولت قابلیت اجرا دارد. گرچه تصریح به ذی‌حق بودن متهم در استناد به اصل اختصاص، نیازمند رأی دقیق دیوان در این باره است؛ به‌ویژه اینکه با توجه به تعارض آرا بین دادگاه‌های فدرال امریکا، این مداخله برای ایجاد وحدت رویه لازم به‌نظر می‌رسد (Bassiouni, 2014, p.594-95).

ه) در موارد استرداد ساده که شخص موضوع استرداد خود به استرداد رضایت می‌دهد، ممکن است به معنای انصراف از اصل اختصاص باشد. درواقع انصراف از اعتراض به استرداد از سوی متهم به معنای انصراف از اعتراض به تمام محدودیت‌های وارد بر استرداد است، مگر اینکه متهم به نحو مکتوب و مصرح رضایت خود را به اتهام خاصی محدود نماید. درواقع متهم می‌تواند رضایت خود را به اتهام خاصی مشروط نماید که در این صورت رعایت اصل اختصاص ضروری است (Bassiouni, 2014, p.582). با وجود این، انصراف متهم از اعتراض به اصل اختصاص در آیین دادرسی کیفری امریکا به رعایت محدودیت‌های مقرر در ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری این کشور وابسته شده است (Federal Rules of Criminal Procedure). درواقع در این حالت، رضایت متهم به استرداد تا حد زیادی مشابه فرایند معامله^۱ اتهام است که متهم در خصوص اتهام‌های وارده با مقام تعقیب وارد معامله و چانه‌زنی می‌شود.^۱ در آیین دادرسی کیفری ایالات متحده، معامله^۱ اتهام هم متضمن انصراف از اصل اختصاص است. با وجود این، دادگاه باید احراز نماید که فرد مقرر آگاه بوده است که اقرار وی باعث چشم‌پوشی از اصل اختصاص می‌شود. در این زمینه باید معیار «عالماً و عامداً» در زمینه اقرار به کار گرفته شود و اثبات گردد که اقرارکننده با علم به انصراف، و قصد به انصراف و پس از مشاوره با وکلای مدافع خود از اصل اختصاص انصراف داده است (Bassiouni, 2014, p.584). با توجه به این امر می‌توان به این نتیجه رسید که ذی‌حق اصل اختصاص گرچه در وهله اول دولت درخواست‌شونده است، اما متهم نیز حقوقی دارد؛ زیرا در صورت عدم رضایت یا انصراف صریح

۱. به‌موجب ماده ۱۱ قواعد آیین دادرسی کیفری فدرال ایالات متحده امریکا، به‌منظور تضمین یک معامله^۱ اتهام معتبر در امریکا، چنین معامله‌ای در وهله اول باید ارادی باشد و متهم از نتیجه پذیرش اتهام‌های وارده آگاه بوده باشد؛ دوم اینکه معامله^۱ اتهام نباید در نتیجه تهدید به‌دست آمده باشد، بلکه تنها عوضی که می‌توان در برابر معامله^۱ اتهام از آن بهره‌مند شد، تخفیف در مجازات است (Federal Rules of Criminal Procedure).

از اصل اختصاص از سوی دولت درخواست‌شونده، متهم می‌تواند به‌نوبه خود به وجود یا عدم وجود اصل اختصاص رضایت دهد یا اعتراض نماید.

تغییر عنوان مجرمانه و حاکمیت اصل اختصاص در استرداد مجرمان

بنابر اصل اختصاص، فرد مورد استرداد را تنها برای جرمی که به آن منظور درخواست استرداد صورت گرفته می‌توان بازداشت، محاکمه یا مجازات کرد. حال در اینجا پرسش این است که تغییر عنوان مجرمانه تخطی از معاهده استرداد و قاعده اختصاص است یا صرف اینکه رفتار مجرمانه باشد، کفایت می‌کند؟ برای مثال، استرداد فرد مورد درخواست به اتهام جرم کلاهبرداری تقاضا می‌شود و پس از استرداد و در طول مراحل دادرسی مشخص شود که عمل ارتكابی فرد یادشده کلاهبرداری نبوده، بلکه خیانت در امانت است، آیا در مثال یادشده محاکمه فرد به جرم خیانت در امانت به جای جرم کلاهبرداری ناقض اصل اختصاص و تخطی از معاهده استرداد است یا خیر؟

در این خصوص برخی حقوق‌دانان معتقدند در صورتی که متهم برای جرمی مسترد شود، نمی‌توان وی را برای غیر آن جرم محاکمه کرد. اما اگر در اثنای رسیدگی احراز شد که عنوان مجرمانه جرم ارتكابی عنوان دیگری است، در این صورت ادامه رسیدگی منعی ندارد (عباسی، ۱۳۷۰، ص ۲۵۲). اصل اختصاص در مورد تغییر وصف مجرمانه اثری ندارد و دادگاه‌های دولت درخواست‌کننده می‌توانند در صورت تفاوت وصف رسیدگی کنند (عباسی، همان، ص ۲۵۴)؛ بنابراین، اصل اختصاص مانع تغییر وصف اتهام نمی‌شود. اصل اختصاص تنها مانع این است که متهم به دلیل جرم دیگری غیر از آنچه در ورقة موافقت‌نامه استرداد پیش‌بینی شده است، تعقیب شود. بنابراین به اعتقاد برخی، اگر تعقیب او تحت لوای وصف و عنوان دیگری که در موقع تقاضا پیش‌بینی نشده بود صورت گیرد، هیچ‌گاه با اصل اختصاص منافات ندارد. همین‌طور اگر هنگام محاکمه یک کیفیت مشدده یا مخففه ظاهر شود که در نتیجه آن مجازاتی که تعیین می‌شود کمتر یا بیشتر از مجازاتی باشد که قانون استرداد آن را منع کرده است، هیچ‌یک از این دو کیفیت آثار استرداد را خنثی نمی‌کند (علی‌آبادی، همان، ص ۱۷۲-۱۷۱)؛ امری که در بند ۴ ماده ۲ موافقت‌نامه استرداد مجرمان بین ایران و امارات متحده عربی مصوب ۱۳۸۹ به آن تصریح شده است. به‌موجب این بند: «در تعیین اینکه عمل ارتكابی جرمی است که به‌موجب قوانین دو طرف مطابق بند (۱) این ماده قابل مجازات است، اهمیتی ندارد که قوانین دو طرف، عمل ارتكابی را یکسان توصیف نمایند یا اینکه آن جرم عنوان یکسان داشته باشد». همچنین به‌موجب بند ۳ ماده ۱۱ قانون موافقت‌نامه استرداد مجرمان بین ایران و قبرس مصوب ۱۳۹۴: «چنانچه توصیف حقوقی فعل ارتكابی در خلال رسیدگی جزائی تغییر

یابد، تعقیب یا اجرای حکم تنها زمانی امکان پذیر است که جرم جدید بر همان حقایق استوار باشد و با شرایط مذکور در ماده (۲) این موافقتنامه تطبیق نماید.»

حال پرسش این است که اگر متهم با عنوان مجرمانه جدیدی تحت تعقیب قرار گیرد که مجازات آن بیشتر از عنوان مجرمانه مندرج در تقاضای استرداد باشد، باز هم می‌توان به‌سادگی به این نتیجه رسید؟ با توجه به وجود مجازات اعدام در نظام حقوقی ایران این سؤال اهمیت بیشتری می‌یابد، زیرا بسیاری از معاهدات استرداد مجرمان از جمله شق اول بند «ج» ماده ۳ معاهده استرداد مجرمان ایران و اندونزی، یکی از موانع استرداد را در معرض مجازات اعدام بودن متهم موضوع استرداد می‌داند.

به‌موجب شق اول بند «الف» ماده ۱۴ معاهده الگوی سازمان ملل، فرد مستردشده به‌غیر از جرم اتهامی نباید برای جرم دیگری بازداشت، محاکمه یا مجازات شود، اما در تفسیر بند «الف» استثنایی قرار دارد که می‌تواند راهگشای این قضیه باشد. به‌موجب این تفسیر: «دولت درخواست‌کننده در تعقیب فرد مورد درخواست برای جرایم قابل استرداد مختلف آزاد است، در صورتی که واقعیت‌های موجود در پرونده نشان دهد که رفتاری که استرداد به آن منظور اعطا شده، مشابه آن رفتار (عنوان جدید) یا دارای مجازات کمتر از جرم اصلی است که استرداد به منظور آن درخواست شده است». بنابراین، از نظر معاهده الگو در صورتی که حداکثر مجازات تعیین شده برای جرم جایگزین بیشتر از میزان مجازات جرم درخواستی نباشد، تغییر عنوان مجرمانه جایز است. از آنجایی که بیشتر نظام‌های حقوقی اجازه می‌دهند بر اساس حقایق اتهام اصلی، قبل یا در طول محاکمه از سوی دادگاه در اتهامات تجدیدنظر صورت گیرد، این موضوع دولت درخواست‌کننده را قادر خواهد ساخت بدون نیاز به اجازه از دولت درخواست‌شونده از رویه داخلی خود پیروی نماید. دولت درخواست‌شونده در چنین مواردی باید اطمینان پیدا کند که جرم مورد نظر همان رفتاری است که استرداد به‌منظور آن صورت گرفته است؛ به عبارت دیگر، اگر بر پایه مجموعه حقایقی که بر اساس آن درخواست استرداد صورت گرفته است، عنوان جرم سرقت بوده و برای جرم سرقت درخواست استرداد صادر شده باشد، هیچ چیز مانع از آن نمی‌شود که دولت تعقیب‌کننده در اثنای رسیدگی با توجه به عنصر قانونی جرم، تغییر اتهام داده، شخص مورد درخواست را به جرم اختلاس تعقیب کند؛ در صورتی که وقایع اتهامی موجود در پرونده یکسان یا مشابه رفتاری باشد که بر اساس آن درخواست تعقیب به سرقت صادر شده است. زیرا عنوان حقوقی اتهام تعیین‌کننده نیست، بلکه این مبنای حقوقی رفتار اتهامی است که موجب درخواست استرداد می‌شود و بنابر نظر قاضی دادگاه ممکن است عنوان رفتار اتهامی تغییر یابد.

همچنین قسمت اول ذیل شق اول بند «ب» ماده ۱۴ معاهده الگوی سازمان ملل اعلام

می‌دارد، در صورتی که دولت درخواست‌شونده برای هر جرم دیگری در این باره رضایت دهد، می‌توان از این مصونیت صرف نظر کرد. اما در ادامه، صلاحیت دولت درخواست‌شونده را در این مورد محدود می‌نماید و تصریح می‌کند در صورتی دولت درخواست‌شونده می‌تواند به تعقیب یا محاکمه رضایت دهد که جرم مطابق با معاهده یک اتهام قابل استرداد باشد.

قانون‌گذار ایران در قانون مصوب ۱۳۳۹ در این مورد تکلیف را مشخص نکرده و سکوت اختیار نموده است. پس برای دستیابی به نتیجه مطلوب در این مورد باید به‌طور خاص به معاهدات رجوع کرد. به‌موجب بند ۲ ماده ۱۴ معاهده استرداد مجرمان بین ایران و چین (۱۳۹۳): «چنانچه وصف کیفری جرم ارتكابی در خلال رسیدگی تغییر یابد، شخص مستردشده نباید تعقیب یا مجازات شود؛ مگر اینکه جرم توصیف جدید شرایط مذکور در ماده (۲) را داشته باشد»؛ امری که عیناً در بند ۲ ماده ۱۳ موافقت‌نامه استرداد مجرمان بین ایران و امارات هم تکرار شده است. برابر ماده ۲ معاهده یادشده، عمل ارتكابی باید طبق قوانین هر دو طرف جرم باشد و در صورتی که درخواست استرداد به‌منظور دادرسی است، جرم طبق قوانین دو طرف باید دارای مجازات حبس بیش از یک سال باشد و در صورتی که به‌منظور اجرای مجازات است، باید حداقل شش ماه از مدت محکومیت فرد باقی مانده باشد. با وجود گام رو به جلو در این بند معاهده نسبت به قانون و معاهدات دیگری که تصریحی نسبت به این مورد ندارند، انتقادی که بر این بند وارد شده این است که در صورتی که وصف کیفری جرم ارتكابی هنگام دادرسی تغییر یابد، و در شرایطی که رفتار از جرایم قابل استرداد مطابق معاهده باشد، دولت درخواست‌کننده اگر تشخیص دهد که رفتار دارای مجازات سنگین‌تری نسبت به جرمی است که استرداد برای آن صورت گرفته است، می‌تواند شخص مورد نظر را مجازات کند. این امر لطمه‌ای بزرگ به حقوق فرد مستردشده می‌زند و همچنین مخالف معاهده الگوی سازمان ملل است. این مورد در معاهده بین جمهوری اسلامی ایران و کره جنوبی (۱۳۹۶) اصلاح شده است و مفاد این معاهده در قیاس با معاهدات دیگر استرداد مجرمان ایران، بسیار همگام‌تر با معاهده الگوی سازمان ملل است. در ماده ۱۷ این معاهده آمده است که «۱: شخصی که به‌موجب این معاهده مسترد می‌گردد در طرف درخواست‌کننده، بازداشت، محاکمه یا مجازات نخواهد شد، مگر برای موارد زیر:

الف) جرمی که استرداد در مورد آن پذیرفته شده است یا جرمی با عنوان متفاوت بر اساس همان حقایقی که استرداد بر مبنای آن‌ها پذیرفته شده است، مشروط بر آنکه چنین جرمی قابل استرداد باشد یا جرمی سبک‌تر باشد...». همچنین ماده ۱۵ معاهده استرداد مجرمان ایران و اندونزی (۱۳۹۶) ضمن بیان اصل اختصاص در مقام بیان استثناهای این اصل در بند «پ» خود به‌طور ضمنی به این امر اشاره دارد: «هر جرم خفیف افشا شده بر اساس وقایع از نظر تأمین بازگشت وی، غیر از جرمی که از نظر قانون نمی‌توان برای آن درخواست استرداد کرد». بنابراین

در این معاهده نیز تغییر عنوان مجرمانه مغایر اصل اختصاص نیست؛ به شرطی که عنوان مجرمانه جدید خفیف‌تر از عنوان مجرمانه موضوع استرداد باشد.

رویه دولت ایالات متحده در مورد تغییر عنوان مجرمانه در طول دادرسی نیز اغلب مطابق با معاهده الگوی سازمان ملل است. عموماً دولت درخواست‌کننده می‌تواند فرد تسلیم‌شده را برای همه جرایم دارای مجازات کمتر از جرم مورد استرداد مورد تعقیب قرار دهد؛ در صورتی که بر مبنای واقعیت‌هایی باشد که بر اساس آن وی مسترد شده است، باین حال، جرم کمتر باید در هر دو دولت جرم‌انگاری شده باشد (Bassiouni, 2014, p.546). همچنین به موجب بند ۱ ماده ۲۲ معاهده استرداد بین دولت آلمان و ایالات متحده آمریکا (۱۹۸۰م): «شخصی که در پی این معاهده مسترد شده است نباید به غیر از جرمی که استرداد برای آن صورت گرفته، برای ارتکاب جرمی قبل از آن مورد تعقیب دوباره، مجازات یا بازداشت قرار گیرد و به جز در موارد یادشده نباید به هر دلیل دیگری آزادی وی محدود شود». در بند ۳ این ماده مقرر شده است: «اگر جرمی که شخص در پی آن مسترد شده است در رویه دادرسی از لحاظ قانونی تغییر یابد، شخص یادشده در صورتی مورد تعقیب یا مجازات قرار می‌گیرد که توصیف جرم جدید:

الف) بر اساس همان مجموعه از حقایق موجود در درخواست استرداد و مدارک اثبات‌کننده آن باشد؛ و

ب) حداکثر به اندازه همان رفتار قابل مجازات باشد و با مجازات حداکثری آن کمتر از مجازات جرمی باشد که فرد متعاقب با آن مسترد شده است» (Germany International Extradition Treaty with the United States, 1980).

بنابراین، تغییر وصف اتهام که بر مبنای تفسیر قضایی صورت می‌گیرد به اصل اختصاص خللی وارد نمی‌کند؛ برای مثال، اگر شخصی به اتهام حمل مواد مخدر تحت تعقیب قرار گیرد و استرداد او از دولت دیگر درخواست و با استرداد او موافقت شود و به هنگام رسیدگی قضایی تشخیص دهد که عنوان دقیق اتهامی وی نگهداری مواد مخدر است، این تغییر وصف جزایی اتهام با اصل اختصاص مغایرتی ندارد (اردبیلی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۱). در نتیجه در صورت تغییر عنوان مجرمانه، رفتار باید طبق قوانین هر دو دولت جرم‌انگاری شده باشد و همچنین باید مجازات جرم جدید کمتر یا مشابه حداکثر مجازات رفتاری باشد که استرداد به آن منظور صورت گرفته است. در واقع جواز تغییر عنوان مجرمانه بر اساس میزان مجازات و قابل استرداد بودن عنوان مجرمانه جدید است؛ در غیر این صورت محاکمه بر اساس عنوان جدید ناقض اصل اختصاص خواهد بود و برای دولت و تحت شرایطی متهم موضوع استرداد، حق اعتراض و اقامه دعوا ایجاد می‌شود.

استرداد ساده‌شده و حاکمیت اصل اختصاص

استرداد ساده‌شده (Simplified extradition) یا تسلیم داوطلبانه هنگامی محقق می‌شود که با ارسال درخواست رسمی از طرف دولت درخواست‌کننده، شخص مورد درخواست به استرداد رضایت دهد و با اعلام موافقت خود و نداشتن هیچ‌گونه اعتراض، زمینه را برای تسریع روند رسیدگی فراهم آورد و ممکن است با انجام این نوع همکاری از سوی شخص مورد درخواست، به‌طور متقابل دولت تعقیب‌کننده زمینه‌های تخفیف مجازات را برای وی فراهم سازد. اگر شخص مورد تقاضا از حق دفاع خود صرف نظر کند و اعلام آمادگی نماید که خود را تسلیم دولت درخواست‌کننده می‌کند، تشریفات قضایی حذف خواهد شد (عباسی، ۱۳۷۰، ص ۱۱۴). در این موارد، پرسش چالش‌برانگیز این است که آیا با رضایت شخص به روند استرداد، اصل اختصاص نیز مانند سایر موارد استرداد، قابل چشم‌پوشی می‌شود؟ و آیا دولت درخواست‌شونده با وجود رضایت شخص مورد درخواست، می‌تواند بر اصل اختصاص تأکید نماید؟

بعضی از حقوق‌دانان برآنند که هدف از اختصاص، حفظ منافع شخص مستردشده است. بعضی دیگر فراتر از منافع فردی، مصالح طرفین معاهده، یعنی دولت‌های طرف معاهده را به‌میان کشیده‌اند و عقیده دارند آنچه دولت‌ها در ضمن معاهدات استرداد به آن رضایت داده‌اند، حفظ ارزش‌های فراتر از منافع فردی است. از این‌رو، در موارد نقض تعهدات مندرج در معاهدات استرداد و از جمله نقض قاعده اختصاص، شخص مستردشده نمی‌تواند به آن استناد کند. برخی دیگر از حقوق‌دانان به تلفیق هر دو نظریه اعتقاد دارند (اردبیلی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۸). دوندیو دو وابر (Donnedieu de Vabres) در این خصوص معتقد است که استرداد یک عمل قضایی نیست تا به صرف اراده و موافقت شخص مورد تقاضا، دولت نیز با آن موافقت نماید، بلکه یک عمل حاکمیتی است و از این نظر باید دقت شود تا در مورد جرایم سیاسی و جرایمی که استرداد مجرمان آن مخالف یکی از اصول حقوق بین‌الملل است، از استرداد خودداری شود؛ هرچند متهم رضایت داده باشد (فاطمی شریعت‌پناهی، ۱۳۵۲، ص ۱۵۴).

به‌موجب ماده ۱۹ قانون استرداد مجرمان ایران: «هرگاه شخص مورد تقاضا انصراف خود را از استفاده از مقررات این قانون اعلام نمود و رضایت دهد که به دولت تقاضاکننده تسلیم شود، مراتب در پرونده امر قید و وزارت دادگستری نسبت به استرداد اقدام مقتضی به‌عمل خواهد آورد». با وجود سکوت اغلب قوانین و معاهدات استرداد مجرمان در این خصوص، ماده ۹ کنوانسیون تسهیل تشریفات استرداد مجرمان میان دولت‌های عضو اتحادیه اروپا (۱۹۹۵م) در این خصوص اشاره می‌کند که اعمال اصل اختصاص در استرداد ساده‌شده بستگی به این موضوع دارد که آیا شخص مورد استرداد رضایت دارد که از اصل اختصاص چشم‌پوشی شود یا خیر؟ (The European Union Convention on simplified extradition procedure, 1995, Art. 9).

بهترین راه حل در صورت وجود ابهام در زمینه مسائل چالش برانگیز و سکوت قوانین و معاهدات، مراجعه به مدل الگوی سازمان ملل است که بیانگر نظریات برجسته ترین علمای حقوق بین الملل است. تفسیر ماده ۶ معاهده الگوی سازمان ملل در خصوص وضعیت اصل اختصاص در استرداد ساده شده مقرر می دارد که «کشورها ممکن است تمایل داشته باشند که در خصوص استرداد ساده شده از اصل اختصاص چشم پوشی نمایند». پس برابر معاهده الگو، اصل اختصاص مختص دولتهاست و مفهوم مخالف تفسیر یاد شده این است که حتی در موارد استرداد ساده شده، دولتها می توانند با وجود رضایت شخص مورد درخواست، خواستار اجرای اصل اختصاص باشند.

در کتابچه راهنمای اصلاحی در زمینه مدل الگوی استرداد و مدل معاضدت های قضایی Revised Manuals on the Model Treaty on Extradition and on the Model Treaty on (Mutual Assistance in Criminal Matters United Nations) که دستورالعمل آن از سوی اجلاس کارشناسان بین الدولی امور جنایی دفتر سازمان ملل در امور مبارزه با جرایم و مواد مخدر (UNODC) (Office on Drugs and Crime) با همکاری انجمن بین المللی حقوق کیفری (AIDP) (International Association of Penal Law)، مؤسسه بین المللی مطالعات عالی در امور جنایی (ISISC) (International Institute of Higher Studies in Criminal Sciences) و مرکز نظارت بر جرم سازمان یافته (OPCO) (Monitoring Centre on Organized Crime) تهیه شده، راه حل ارائه شده این است که دولتها با توجه به توافقی که در مذاکرات مربوط به معاهده استرداد به دست می آورند، می توانند در یک بند به آثار استرداد ساده شده نسبت به اصل اختصاص بپردازند و همچنین دولتها می توانند در قوانین خود تصریح نمایند که رضایت در استرداد اگر به صورت داوطلبانه باشد، فرد مسترد شده باید پیامدهای آن را بپذیرد و یکی از آنها این است که چنین شخصی در دفاع از خود دیگر نمی تواند بر اصل اختصاص تکیه نماید (Revised Manual on the Model Treaty on Extradition, 2002, p.35, Ibid, p.120) به موجب این اصل کلی (قاعده اختصاص) به نظر می رسد که تعقیب یا مجازات فراسوی قلمرو اصلی استرداد اعطایی فقط با رضایت صریح دولت طرف تقاضا که استرداد را پذیرفته، ممکن است. این رضایت حق دولت یاد شده است و چنین می نماید که این رضایت با رضایت شخص مسترد شده غیرقابل جایگزین است (اردبیلی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۷). در نتیجه، طبق معاهدات، قوانین ملی و عرف بین المللی، قاعده اختصاص حقی به نفع شخص مورد تقاضا است و شخص مورد نظر می تواند از حقی صرف نظر کند و به منظور جرایم دیگر به غیر از جرم مورد درخواست به تعقیب رضایت دهد. با وجود این، صرف رضایت شخص مورد تقاضا نمی تواند نافی اصل اختصاص شود و این دولت درخواست شونده است که باید نظر نهایی خود را در خصوص اجرا یا چشم پوشی از

اصل یادشده اعلام نماید و حتی در صورت رضایت شخص مورد تقاضا، دولت درخواست‌شونده می‌تواند دولت درخواست‌کننده را به تبعیت از اصل اختصاص ملزم بداند.

یکی از قراین دیگری که نشان‌دهنده ذی‌حق بودن دولت‌ها در استناد به اصل اختصاص بوده، این است که در صورت استرداد شخص مورد درخواست، اگر وی به استرداد به دولت ثالث رضایت داشته باشد، این امر بدون رضایت دولت درخواست‌شونده اول میسر نیست. به‌موجب ماده ۱۱ لایحه همکاری‌های قضایی بین‌المللی در امور کیفری (۱۳۹۱) که هنوز به تصویب نهایی مجلس نرسیده است: «کشور درخواست‌کننده نمی‌تواند فرد مستردشده غیر از تبعه خود را به کشور ثالث تحویل دهد؛ مگر در موارد زیر:

الف) مرجع همکاری قضایی با استرداد فرد توسط کشور درخواست‌کننده به کشور ثالث موافقت کند...».

نتیجه

اصل اختصاص از جمله مهم‌ترین اصول بین‌المللی است که از سوی معاهدات، قوانین داخلی دولت‌ها و حقوق بین‌الملل عرفی به رسمیت شناخته شده است و معاهده الگوی سازمان ملل متحد بر آن تأکید دارد. این اصل کاربرد دوسویه دارد؛ از یک سو، حافظ حقوق متهم و حمایت‌کننده وی در مقابل نابرابری‌ها و جلوگیری از اقدامات سوء دولت درخواست‌کننده است و از سوی دیگر، تأمین‌کننده حقوق دولت درخواست‌شونده است، زیرا این دولت فقط در خصوص جرم مورد درخواست از حق تعقیبی خود اعراض نموده است و حتی می‌تواند تصریح نماید که پس از تعقیب یا محاکمه، شخص مورد نظر به دولت درخواست‌شونده بازگردانده شود. به‌موجب قواعد عرفی بین‌المللی، دولت درخواست‌کننده در صورت رضایت صریح یا ضمنی دولت درخواست‌شونده و یا عدم اعتراض صریح آن دولت، می‌تواند شخص مورد درخواست را برای هر جرمی مورد محاکمه یا مجازات قرار دهد. اما در صورت اعتراض صریح یا ضمنی دولت درخواست‌شونده، برای متهم حق اعتراض به عدم رعایت این اصل در محاکم داخلی دولت درخواست‌شونده وجود دارد که می‌تواند از موجبات نقض محکومیت صادره در جرایمی باشد که استرداد به آن منظور صورت نگرفته و درواقع اصل اختصاص رعایت نشده است. با تخطی دولت درخواست‌کننده از اصل اختصاص، باید به دولت درخواست‌شونده حق اقامه دعوی بین‌المللی داده شود که می‌تواند به محکومیت دولت درخواست‌کننده به اعاده متهم مستردشده به دولت درخواست‌شونده منجر شود. به این ترتیب، اگرچه متهم از اصل اختصاص بهره‌مند خواهد شد، اما ذی‌حق واقعی اصل اختصاص، دولت درخواست‌شونده است.

اصل اختصاص با وجود اهمیتش اصلی مطلق نیست، بلکه استثناپذیر است. ارتکاب جرم

جدید پس از استرداد، عدم ترک کشور درخواست کننده در یک مدت متعارف، بازگشت داوطلبانه به کشور درخواست کننده، رضایت دولت درخواست شونده و استرداد ساده در زمره استثنای اصل اختصاص قرار می گیرند که در این موارد دولت درخواست کننده می تواند بدون نقض اصل اختصاص و بر اساس اصول صلاحیتی به محاکمه متهم بپردازد. تغییر عنوان مجرمانه جرم مورد درخواست در اثنای مراحل رسیدگی از جمله موارد دیگری است که می تواند در شمار استثنای جدید اصل اختصاص قرار گیرد. با توجه به معاهده الگوی سازمان ملل و رویه استرداد مجرمان دولت ایران و ایالات متحده، اگر تغییر عنوان مجرمانه با توجه به اصل ویژگی های رفتار ارتكابی صورت گیرد و همچنین مجازات عنوان جایگزین به میزان مجازات جرم مورد درخواست یا کمتر از عنوان درخواستی باشد، مشکلی به وجود نخواهد آمد. اما تشدید میزان مجازات از سوی دولت درخواست کننده با توجه به تغییر عنوان مجرمانه، مخالف با معاهده الگوی سازمان ملل متحد و آسیب به حقوق متهم بوده و ممکن است باعث اختلاف با دولت درخواست شونده گردد؛ موضوعی که در برخی از جدیدترین معاهدات استرداد مجرمان ایران پیش بینی شده است و پیشنهاد می شود که در لایحه همکاری های قضایی بین المللی در امور کیفری و معاهدات جدیدتر نیز درج گردد.

در استرداد ساده نیز باید وضعیت اصل اختصاص مشخص شود. این چالش وقتی پیچیده تر می شود که طرفین معاهده در این خصوص مقرره ای به تصویب نرسانده اند. راه حل این است که با افزودن یک بند به معاهده، در این خصوص وضعیت روشن شود. اصل اختصاص در درجه اول از حقوق دولت ها به شمار می رود و رضایت متهم موضوع استرداد در این خصوص بدون موافقت دولت تسلیم کننده کارساز نیست. در نتیجه، تصریح به این امر در معاهدات آینده استرداد مجرمان دولت ایران می تواند راهگشا باشد.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. احمدی نژاد، مریم (۱۳۹۳)، «موانع استرداد و اخراج مجرمین در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ج ۱، ش ۱، ص ۳۲-۱.
۲. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۲)، معاضدت قضایی و استرداد مجرمین با تأکید بر جرایم مواد مخدر، چ ۱، تهران: نشر میزان.
۳. پورذوالفقار، سید سمانه و کلانتری، کیومرث (۱۳۹۳)، «موانع استرداد مجرمین در حقوق ایران و حقوق بین الملل»، همایش ملی رویکردهای کاربردی و پژوهشی در علوم انسانی و مدیریت.

۴. خالقی، علی (۱۳۸۴)، «قرار جلب اروپایی و تأثیر آن بر حقوق استرداد مجرمین در اتحادیه اروپا»، مجله پژوهش‌های حقوقی، ج ۴، ش ۷، ص ۱۳-۲۸.
۵. شریعت باقری، محمدجواد (۱۳۹۳)، «تصویب موافقت‌نامه‌های همکاری قضایی بین‌المللی؛ مشکلات و راه‌حل‌ها»، فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ج ۱۹، ش ۶۶، ص ۷۴-۳۹.
۶. علی‌آبادی، عبدالحسین (۱۳۵۴)، حقوق جنایی، ج ۳، تهران: انتشارات چاپخانه بانک ملی ایران.
۷. عباسی، محمود (۱۳۷۰)، استرداد مجرمین، تهران: نشر گنج دانش.
۸. فاطمی شریعت‌پناهی، سید کاظم (۱۳۵۲)، استرداد مجرمین، ج ۲، قم: انتشارات مدرسه عالی امور قضایی و اداری.
۹. محسنی، مرتضی (۱۳۸۲)، دوره حقوق جزای عمومی؛ کلیات حقوق جزا، ج ۱، تهران: نشر گنج دانش.
۱۰. قانون راجع به استرداد مجرمان مصوب ۱۴ اردیبهشت ۱۳۳۹.
<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/95205> (last visited 2/25/2018)
۱۱. قانون موافقت‌نامه استرداد مجرمان بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ازبکستان، (۲۸ دی ۱۳۸۱).
۱۲. قانون موافقت‌نامه استرداد مجرمان بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بلاروس، (۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۱).
۱۳. قانون موافقت‌نامه معاضدت حقوقی در امور مدنی و کیفری بین جمهوری اسلامی ایران و بوسنی و هرزگوین، (۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۱).
۱۴. قانون معاهده استرداد مجرمان بین دولت جمهوری اسلامی ایران و جمهوری کره، مصوب (۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۶).
۱۵. قانون معاهده استرداد مجرمان بین دولت جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین، مصوب (۲۹ شهریور ۱۳۹۳).
۱۶. قانون موافقت‌نامه استرداد مجرمان بین جمهوری اسلامی ایران و امارات متحده عربی، مصوب (۳ بهمن ۱۳۸۹).
۱۷. قانون موافقت‌نامه استرداد مجرمان بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قبرس مصوب (۲۴ فروردین ۱۳۹۴).
۱۸. قانون معاهده بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اندونزی در زمینه استرداد مجرمان، (۱۹ تیر ۱۳۹۶).
۱۹. قانون قرارداد استرداد مجرمان بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت فرانسه، (۲۲ آبان ۱۳۴۵).
۲۰. قانون راجع به عهدنامه استرداد مجرمان بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت پاکستان، (۲۸

فروردین ۱۳۳۹).

۲۱. لایحه همکاری‌های قضایی بین‌المللی در امور کیفری، (عدم تصویب نهایی).

ب) خارجی

22. Agrawala, S. K. (1965), International law: Indian courts and legislature, New York: Oceana Publications.
23. Bassiouni, M. C. (2014), International extradition: United States law and practice, Sixth Edition, New York: Oxford University Press.
24. Garcia, M. J., Doyle, Charles (2010), "Extradition to and from the United States: Overview of the law and Recent Treaties", Congressional Research Service DIANE Publishing.
25. Iraola, R. (2008), "The Doctrine of Specialty and Federal Criminal Prosecutions", Valparaiso University Law Review, Vol. 43, No. 1, 89-112.
26. Germany International Extradition Treaty with the United States, August 29 1980
27. Model Treaty on Extradition, 14 December 1990
28. The European Union convention on simplified extradition procedure, 10 March 1995
29. Revised Manuals on the Model Treaty on Extradition and on the Model Treaty on Mutual Assistance in Criminal Matters, 8 December 2002
30. Federal Rules of Criminal Procedure, https://www.law.cornell.edu/rules/frcrmp/rule_12>.2017/12/19.